



علی امیری  
پژوهشگر و استاد دانشگاه

# گشاینده افق آینده

شعاع نگاه او افق‌های دور را روشن کرده است.

دیگر با مقاومت‌هایی که در برابر بازگشت به سنت استبدادی گذشته صورت گرفت، نشان داد که اراده‌های قوی برای جراحی این بیماری‌ها نیز وجود دارد. مزاری نشان داد که دور فلک یک‌سره به کام خودکامگی نیست و آرمان عدالت یک‌سره خاکستر نشده است.

کوشش‌های مزاری به استقرار فوری عدالت نیانجامید، اما آرمان عدالت را در قلب و روح میلیون‌ها انسان محروم و جفا دیده این سرزمین زنده کرد. بدین ترتیب مزاری، با زنده کردن آرمان برابری در دل‌ها، عدالت را به افق آینده ما تبدیل کرد. بزرگ‌ترین هدیه مزاری به ملت افغانستان آینده است، او با کوشش‌های خود در برابر ما افقی را گشود که در آن عدالت به چشم انداز آینده ما تبدیل شده است. شعاع نگاه او افق‌های دور را روشن کرده است. اکنون ملت افغانستان در چارچوب این نگاه گام بر می‌دارند، نفس می‌کشند و به کار و پیکار برای ساختن آینده‌ای که او برای ما طراحی کرده است، سرگرم‌اند. ما بدون «عدالت» و بدون «انسانیت» آینده‌ای نداریم. او با برد نگاه نافذ خود آینده ما را دید و با تبدیل کردن عدالت به این آینده، ما را در مسیری از شکوه و شکوفایی قرار داد که اگر همت ساختن و عزم رفتن آن را داشته باشیم، به آن خواهیم رسید. به‌رغم موانع و دشواری‌ها و شوربختی‌های بسیار، شعله عدالت‌خواهی همچنان در قلب و جان هر زن و مرد امروز افغانستان فروزان است. مزاری مربوط به گذشته نیست، بلکه رهنما و ره‌آموز ما به سوی آینده است. مزاری افقی از آینده را به روی ما گشود و ما اکنون آینده داریم. پس ما نیز انسان هستیم. ماه حوت ماه تجدید خاطره با مزاری، با گشاینده افق آینده ما است. گرمای باد یاد و خاطرۀ این ماه و این مرد!

مردم افغانستان تنها در دولت‌سازی ناکام نبود، بلکه گرفتار دام یک دولت خودکامه شده بود و می‌دانیم که این بیماری مزمن و صعب‌العلاج است. بن‌بستی که از آغاز قرن بیست، پیوسته رو به تشدید گذاشته بود، بن‌بست دولت بود. یعنی دولت خودکامه‌ای بر سر کار بود که نه راهی برای اصلاح آن وجود داشت و نه امکانی برای تغییرش. در هیئت حاکمه اگر اختلاف نظر یا رقابتی وجود داشت، بر سر شیوه‌های یغماگری بود. به همین دلیل نوسازی هم به بن‌بست افتاده و هر گونه تحرک سیاسی و اجتماعی هزینه‌های گزاف پیدا کرده بود. بحران خودکامگی سرانجام به بروز دولت چپ انجامید، اما مشکل جباریت حل نشد. معه‌ذا با شکافی که به دنبال ظهور دولت چپ به وجود آمد، مجال طرح‌های سیاسی تازه را در مورد آینده افغانستان مهیا کرد.

یکی از نادر چهره‌هایی که طرحی برای حل مشکل افغانستان ارائه داد، شهید وحدت ملی استاد عبدالعلی مزاری بود. قاعده طرح او را احترام به هویت انسانی تمام ساکنان این سرزمین تشکیل می‌داد. او می‌خواست انسانیت را به قاعده سیاست تبدیل کند تا از این طریق هم به کرامت انسانی خدمت کرده باشد و هم بن‌بست سیاست را بگشاید. فرمول «هر شهروند یک رأی» که استاد مزاری از آن به «شعاع وجودی» و «سه‌م‌گیری در ساختار سیاسی بر پایه نفوس» یاد می‌کرد، طرح سیاسی ژرف و دگرگون‌کننده‌ای بود که تنها سامان معیوب سیاسی ما را نشانه نمی‌رفت، بلکه بیماری‌های ناشی از رسوب استبداد در ساختار اجتماعی ما را نیز بر ملا می‌کرد. جنگ‌هایی که بعد از پیروزی مجاهدین پیش آمد از یک‌سو نشان بروز بیماری‌های ناشی از خودکامگی دیرپا در کشور بود و از سوی